

فهرستِ تحلیلی

مقدمه ۱۷

فصل اول: امر تراژیک

۱. مفهوم تبارشناسی ۲۵
ارزش و ارزیابی. — نقد و آفرینش. — معنای کلمه‌ی تبارشناسی.
۲. معنا ۲۸
معنا و نیرو. — کثرت‌گرایی. — معنا و تأویل. — «فقط درجات بالاتر اهمیت دارند».
۳. فلسفه‌ی خواست ۳۳
نسبتِ نیرو با نیرو: خواست. — خامتگاه و پایگان.
۴. برضدِ دیالکتیک ۳۵
تفاوت و تناقض. — تأثیر برده بر دیالکتیک.
۵. مسئله‌ی تراژدی ۳۹
برداشتِ دیالکتیکی از تراژدی و «زایشِ تراژدی». — سه برنهادِ زایشِ تراژدی.
۶. تحولِ نیچه ۴۲
عناصرِ جدید در زایشِ تراژدی. — آری‌گویی. — سقراط. — مسیحیت.

فصل دوم: کنش گر و واکنش گر

۱. بدن ۸۳
یک بدن چه می‌تواند کرد؟ — برتری بدن بر آگاهی. — نیروهای کنش گر و واکنش گر، نیروهایی که بر سازنده‌ی بدن‌اند.
۲. تمایز نیروها ۸۵
واکنش. — برداشت‌های واکنش‌باور از ارگانیسم. — نیروی کنش گر انعطاف‌پذیر.
۳. کمیت و کیفیت ۸۸
کمیت و کیفیت نیرو. — کیفیت و تفاوت کمیت.
۴. نیچه و علم ۹۱
برداشت نیچه‌ای از کمیت. — بازگشت جاودان و علم. — بازگشت جاودان و تفاوت.
۵. نخستین جنبه‌ی بازگشت جاودان: در مقام آموزه‌ای کیهان‌شناختی و فیزیکی ۹۴
نقد وضعیت نهایی. — شدن. — سنتز شدن و بازگشت جاودان.
۶. خواست توان چیست؟ ۹۸
خواست توان به منزله‌ی عنصر/مبنای تفاوت‌گذار (تبارشناختی) نیرو. — خواست توان و نیروها. — بازگشت جاودان و سنتز. — موضع نیچه نسبت به کانت.
۷. واژگان نیچه ۱۰۳
کنش‌گری و واکنش‌گری، آری‌گویی و نه‌گویی.
۸. خاستگاه و تصویر واژگون ۱۰۷
ترکیب واکنش‌گری و کنش‌گری. — چگونه از این ترکیب تصویری واژگون از تفاوت سر بر می‌آورد. — چگونه نیرویی کنش گر و واکنش گر می‌شود.
۹. مسئله‌ی اندازه‌گیری نیروها ۱۱۱
«همواره باید از نیرومندان در برابر ضعیفان دفاع کرد.» — بدفهمی‌های سقراط.
۱۰. پایگان ۱۱۳
اندیشمند آزاد و جان آزاد. — پایگان. — معناهای متفاوت کلمه‌های «کنش گر» و «واکنش گر».

۷. دیونیزوس و مسیح ۴۵
برضد یا به نفع زندگی. — سرشت مسیحی اندیشه‌ی دیالکتیکی. — ستیز اندیشه‌ی دیالکتیکی و اندیشه‌ی دیونیزوسی.
۸. ذات امر تراژیک ۴۹
تراژدی و شادی. — از درام تا قهرمان. — معنای وجود و عدالت.
۹. مسئله‌ی وجود ۵۲
وجود جنایت‌کار و یونانیان. — آناکسیماندر. — وجود خطاکار و مسیحیت. — ارزش مسئولیت‌ناپذیری.
۱۰. وجود و بی‌گناهی ۵۷
بی‌گناهی و کثرت‌گرایی. — هراکلیتوس. — شدن و بودن شدن، بس‌گانه و یگانگی بس‌گانه. — بازگشت جاودان یا بازی.
۱۱. تاس‌ریختن ۶۱
دو مرحله. — پیشامد و ضرورت: آری‌گویی دوگانه. — تعارض تاس‌ریختن و حساب بخت‌ها.
۱۲. پیامدهای [مفهوم] تاس‌ریختن [برای بازگشت جاودان] ۶۵
پخت پیشامد. — کائوس و حرکت چرخه‌ای.
۱۳. نمادپردازی نیچه ۶۷
زمین، آتش، ستاره. — اهمیت‌گزین‌گویی و شعر.
۱۴. نیچه و مالارمه ۷۱
شباهت‌ها. — تضاد: نسخ یا تأیید پیشامد؟
۱۵. اندیشه‌ی تراژیک ۷۴
امر تراژیک در برابر هیچ‌انگاری. — آری‌گویی، شادی و آفرینش.
۱۶. سنگ محک ۷۸
تفاوت میان نیچه و سایر فیلسوفان تراژیک. — شرط‌بندی پاسکال. — اهمیت مسئله‌ی هیچ‌انگاری و کینه‌توزی.

۱۱. خواستِ توان و احساسِ توان ۱۱۶
 خواستِ توان و حساسیت (شور). — شدنِ نیروها.
۱۲. واکنش‌گر-شدنِ نیروها ۱۲۰
 واکنش‌گر-شدن. — بیزاری از انسان. — بازگشتِ جاودان به‌منزله‌ی اندیشه‌ای غم‌انگیز.
۱۳. دوبهلویی معنا و ارزش‌ها ۱۲۲
 دوبهلویی واکنش‌گری. — واکنش‌گری و نه‌گویی.
۱۴. دومین جنبه‌ی بازگشتِ جاودان: درمقامِ اندیشه‌ای اخلاقی و گزینش‌گر ۱۲۶
 بازگشتِ جاودان به‌منزله‌ی اندیشه‌ای تسلابخش. — نخستین گزینش: حذفِ نیم-خواست‌ها. — دومین گزینش: پایانِ هیچ‌انگاری، استحاله‌ی امرِ منفی. — نیروهای واکنش‌گر باز نمی‌گردند.
۱۵. مسئله‌ی بازگشتِ جاودان ۱۳۱
 کنش‌گر-شدن. — کل و دقیقه.

فصل سوم: نقد

۱. دگرگونیِ علوم انسانی ۱۳۷
 الگوی واکنش‌گرانه‌ی علوم. — به‌سوی علمی کنش‌گرانه: زبان‌شناسی. — فیلسوف درمقامِ پزشک، هنرمند و قانون‌گذار.
۲. صورتبندیِ پرسش نزد نیچه ۱۴۱
 پرسش «چیست؟» و متافیزیک. — پرسش «چه‌کسی؟» و سوفیست‌ها. — دیونیزوس و پرسش «چه‌کسی؟»
۳. روشِ نیچه ۱۴۴
 چه‌کسی؟... = چه می‌خواهد؟... — روشِ دراماتیزاسیون: تفاوت‌گذار، تکوینی، تبارشناختی.
۴. برضدِ پیشینیان ۱۴۷
 سه بدفهمی در فلسفه‌ی خواست. — تبدیلِ توان به ابژه‌ی بازنمایی. — وابسته کردنِ توان به ارزش‌های جاری. — تبدیل کردنِ توان به داوِ یک نبرد یا پیکار.

۵. برضدِ بدبینی و برضدِ شوپنهاور ۱۵۲
 این بدفهمی‌ها چگونه فلسفه را به محدودکردن یا نفیِ خواست سوق می‌دهند. — شوپنهاور، اوج این سنت.
۶. اصولی برای فلسفه‌ی خواست ۱۵۴
 خواست، آفرینش و شادی. — توان نه چیزی که خواست می‌خواهد، بلکه کسی است که در خواست می‌خواهد. — فضیلتِ بخشنده. — عنصر/مبناهای تفاوت‌گذار و انتقادی.
۷. نقشه‌ی «تبارشناسیِ اخلاق» ۱۵۸
 اجرای نقدِ حقیقی. — سه جستار در تبارشناسیِ اخلاق: پارالوژیسم، آنتی‌نومی و آرمان.
۸. کانت و نیچه از دیدگاهِ اصول ۱۶۲
 نابسندگی‌های نقدِ کانتی. — در چه معنایی این نقد اصلاً «نقد» نیست.
۹. تحققِ نقد ۱۶۴
 نقد و خواستِ توان. — اصلِ استعلایی و اصلِ تبارشناختی. — فیلسوف درمقامِ قانون‌گذار. — «توفیقِ کانت چیزی جز توفیقِ یک عالم‌الهیات نیست».
۱۰. نیچه و کانت از دیدگاهِ نتایج ۱۶۸
 ناعقلانی‌گرایی و مرجع انتقادی.
۱۱. مفهومِ حقیقت ۱۷۰
 کاربردِ روشِ دراماتیزاسیون. — موضع نظری، تضادِ اخلاقیاتی، تناقض. — ارزش‌های برتر از زندگی.
۱۲. شناخت، اخلاقیات، مذهب ۱۷۴
 دو حرکت. — «مشکوک‌ترین استنتاج».
۱۳. اندیشه و زندگی ۱۷۸
 تعارضِ شناخت و زندگی. — قرابتِ اندیشه و زندگی. — امکان‌های جدیدِ زندگی.
۱۴. هنر ۱۸۱
 هنر درمقامِ برانگیزاننده‌ی خواست. — هنر به‌منزله‌ی توانِ بالای جعل.

۱۰. تصویر جدید اندیشه ۱۸۳
اصول متعارف در آموزه‌ی حقیقت. — معنا و حقیقت در مقام بنیان‌های اندیشه. —
پستی. — نقش فلسفه: فیلسوف-ستاره‌ی دنباله‌دار. — نابهنگام. — تعارضِ روش
و فرهنگ. — فرهنگ یونانی است یا آلمانی؟ — اندیشه و سه حکایت.

فصل چهارم: از کینه‌توزی تا وجدانِ معذب

۱. واکنش‌گری و کینه‌توزی ۱۹۷
واکنش‌گری به منزله‌ی ضد حمله. — کینه‌توزی به منزله‌ی ناتوانی در به عمل
درآوردن.
۲. اصل کینه‌توزی ۱۹۸
فرضیه‌ی موضعی نزد فروید. — تحریک و ردّ پا بر حسب نظر نیچه. — یک واکنش
چگونه از به عمل درآمدن بازمی‌ایستد. — همه‌چیز میان نیروهای واکنش‌گر
می‌گذرد.
۳. سنخ‌شناسی کینه‌توزی ۲۰۲
دو جنبه‌ی کینه‌توزی: جایگاه‌شناختی و سنخ‌شناختی. — روح انتقام. — حافظه‌ی
[برساخته از] ردّ پاها.
۴. ویژگی‌های کینه‌توزی ۲۰۶
ناتوانی از ستودن. — بی‌کنشی. — متهم‌سازی.
۵. آیا خوب است؟ آیا شرور است؟ ۲۰۹
من خوبم پس تو شروری. — تو شروری پس من خوبم. — دیدگاه برده.
۶. پارالوژیسم ۲۱۴
قیاس بره. — سازوکار خیال/داستان در کینه‌توزی.
۷. بسط کینه‌توزی: دینیارِ یهودی ۲۱۶
از جنبه‌ی جایگاه‌شناختی تا جنبه‌ی سنخ‌شناختی. — نقش دینیار. — دینیار در
شکل یهودی‌اش.
۸. وجدانِ معذب و درون‌بودگی ۲۲۲
کینه‌توزی علیه خود. — درونی‌سازی.

۹. مسئله‌ی درد ۲۲۴
دو جنبه‌ی وجدانِ معذب. — معنای درونی و معنای بیرونی درد.
۱۰. بسط وجدانِ معذب: دینیارِ مسیحی ۲۲۶
دینیار در شکل مسیحی‌اش. — گناه. — مسیحیت و یهودیت. — سازوکار
خیال/داستان در وجدانِ معذب.
۱۱. فرهنگ از دیدگاه پیشاتاریخی ۲۳۰
فرهنگ به منزله‌ی تربیت و گزینش. — کنش‌گری نوعی انسان. — حافظه‌ی
گفتاری. — دین و معادله‌ی مجازات.
۱۲. فرهنگ از دیدگاه پساتاریخی ۲۳۳
فرآورده‌ی فرهنگ. — فرد فرمان‌فرما.
۱۳. فرهنگ از دیدگاه تاریخی ۲۳۷
تغییر مسیر فرهنگ. — سگاتش. — چگونه خیال/داستانِ وجدانِ معذب روی
فرهنگ پیوند می‌خورد.
۱۴. وجدانِ معذب، مسئولیت، گناهکاری ۲۴۱
دو شکل مسئولیت. — مجمعی از نیروهای واکنش‌گر.
۱۵. آرمان زهد و ذاتِ دین ۲۴۵
کثرت‌گرایی و دین. — ذات یا قرابتِ دین. — ائتلافِ نیروهای واکنش‌گر و
خواستِ نیستی: هیچ‌انگاری و واکنش‌گری.
۱۶. پیروزی نیروهای واکنش‌گر ۲۴۹
جدول تلخیصی.

فصل پنجم: فراانسان: برضدِ دیالکتیک

۱. هیچ‌انگاری ۲۵۳
«هیچ» به چه معناست؟
۲. تحلیلِ رحم ۲۵۵
سه هیچ‌انگاری: نه‌گو، واکنش‌گر، و بی‌کنش. — خدا از رحم مرده است. —
واپسین انسان.

۳. خدا مرده است ۲۶۱
 قضیه‌ی دراماتیک. — کثرتِ معناهای «خدا مرده است». — وجدانِ یهودی، وجدانِ مسیحی (پولوسِ قدیس)، وجدانِ اروپایی، وجدانِ بودایی. — مسیح و بودا.
۴. برضدِ هگل‌گرایی ۲۶۷
 عام و خاص در دیالکتیک. — سرشتِ انتزاعیِ تضادها. — پرسش «چه کسی؟» برضدِ دیالکتیک. — خیال/داستان، هیچ‌انگاری و واکنش‌گری در دیالکتیک.
۵. تجسدهای دیالکتیک ۲۷۲
 اهمیتِ اشتیرنر در تاریخِ دیالکتیک. — مسئله‌ی تملکِ دوباره. — دیالکتیک به‌منزله‌ی نظریه‌ی «من».
۶. نیچه و دیالکتیک ۲۷۶
 معنای فرانسان و استحاله.
۷. نظریه‌ی انسانِ برتر ۲۷۹
 شخصیت‌های بس‌گانه‌ی انسانِ برتر. — دوسویگیِ انسانِ برتر.
۸. آیا انسان ذاتاً «واکنش‌گر» است؟ ۲۸۲
 آیا انسان واکنش‌گر-شدن است؟ — «شما طبیعتی شکست‌خورده دارید.» — کنش‌گری و آری‌گویی. — نمادپردازیِ نیچه در موردِ انسان‌های برتر. — دو سگاتش.
۹. هیچ‌انگاری و استحاله: نقطه‌ی کانونی ۲۸۹
 نیهیلیسمِ کامل‌عیار، پیروزشده به‌خودی‌خود. — خواستِ توان: دلیلِ شناخت و دلیلِ بودن. انسانی که می‌خواهد نابود شود یا نه‌گوییِ کنش‌گرانه. — تبدیلِ امرِ منفی، نقطه‌ی تبدیل.
۱۰. آری‌گویی و نه‌گویی ۲۹۵
 آری‌خر. — بوزینه‌ی زرتشت، دیو. سلبیتِ امرِ مثبت.
۱۱. معنای آری‌گویی ۳۰۳
 خر و هیچ‌انگاری. — برضدِ ایجابیتِ ادعاییِ امرِ واقعی. — «انسان‌های این زمانه.» — آری‌گفتن نه بر دوش‌کشیدن است و نه پذیرفتن. — برضدِ نظریه‌ی هستی.
۱۲. آری‌گوییِ دوگانه: آریان ۳۱۱

- آری‌گویی به آری‌گویی (آری‌گوییِ دوگانه)، رمزِ آریان، هزاردالان. — آری‌گوییِ آری‌گفته‌شده (توانِ دوم). — تفاوت، آری‌گویی و بازگشتِ جاودان. — معنای دیونیزوس.
۱۳. دیونیزوس و زرتشت ۳۱۷
 بودن به‌منزله‌ی گزینش. — زرتشت و استحاله: شیر. — از استحاله تا بازگشتِ جاودان، و برعکس. — خنده، بازی، رقص.
- نتیجه ۳۲۵
- ضمیمه‌ی ۱: فقهه‌ی خنده‌ی نیچه ۳۳۱
- ضمیمه‌ی ۲: نتیجه‌گیری‌هایی درباره‌ی خواستِ توان و بازگشتِ جاودان .. ۳۳۷
- ضمیمه‌ی ۳: از اخلاقیات تا اخلاق ۳۵۵

| | | |
|-------------------------|------------|---|
| Crépuscule des idoles | غروب | [غروب بت‌ها، ترجمه‌ی داریوش آشوری، آگاه، ۱۳۸۶.] |
| Nietzsche contre Wagner | علیه واگنر | [نیچه علیه واگنر] |
| L'Antéchrist | مسیح‌ستیز | [مسیح‌ستیز] |
| Ecce homo | آنک انسان | [آنک انسان] |
| La Volonté de puissance | خواست | [خواست توان] |

مقدمه^۱

برای کتابی فرانسوی، ترجمه‌شدن [به زبانی دیگر] همواره ماجرابی خوشایند است. این اتفاق بختی است برای مؤلف که پس از این همه سال، شیوه‌ای را به تصور آورد که دوست دارد خواننده‌ای احتمالی او را دریابد، خواننده‌ای که مؤلف خود را نسبت به او هم دور احساس می‌کند هم نزدیک.

بر سرنوشتِ پس از مرگِ نیچه، دو ابهام سنگینی می‌کند: آیا اندیشه‌ی او زمینه‌ساز اندیشه‌ای فاشیستی بوده است؟ و آیا خود این اندیشه به‌راستی اندیشه‌ای فلسفی است، آیا بیش‌تر شعری خشونت‌آمیز، بیش‌ازحد خشونت‌آمیز، گزین‌گویی‌هایی بیش‌ازحد بلهوسانه و قطعاتی بیش‌ازحد بیمارگون نیست؟ شاید این سوءتعبیرها در انگلستان به اوج رسیده باشند. تاملینسن [مترجم انگلیسی] بر این عقیده است که درون‌مایه‌های اصلی‌ای که نیچه با آن‌ها رودررو می‌شود، درون‌مایه‌هایی که فلسفه‌ی نیچه با آن‌ها می‌جنگد، [یعنی] عقل‌گرایی در فرانسه و دیالکتیک آلمانی، هیچ‌گاه در اندیشه‌ی انگلیسی اهمیت تعیین‌کننده‌ای نداشته‌اند. انگلیسی‌ها از حیث نظری تجربه‌گرایی و پراگماتیسمی در

۱. این متن ترجمه‌ی مقدمه‌ای است که دلوژ ۲۱ سال پس از انتشار نیچه و فلسفه در سال ۱۹۸۱ بر ترجمه‌ی انگلیسی آن نوشته است:

Gilles Deleuze, "préface pour l'édition américaine de Nietzsche et la Philosophie", dans *Deux Régime de Fous*, les édition de Minuit, 2003, pp. 187-193.